

The Effect of the Implementation of Education-Oriented Punishments on the Reformation of Convicts with a View to Police Capacities¹

Reza Khanmirzaei² - Masoud Heydari³ - Mahmoud Ashrafi⁴ - Ali Yousafzadeh⁵
Received: 26, June, 2022 Accepted: 22, December, 2022

Abstract

Background and objective: The increasing importance of reducing recidivism and the experience of many countries resorting to the implementation of the education of convicts as the main response to crimes in the direction of reforming and treating convicts have become more and more apparent. Therefore, this research was conducted with the aim of investigating the effect of police capacities in the implementation of educational punishments on the reformation of convicts.

Methods: in terms of its objectives the current research is of an applied, in terms of method it is quantitative and of the survey-correlation type, in which the data was collected using a researcher-made questionnaire tool. The samples were selected using the stratified random sampling method, the sample size was based on Morgan's Table, 80 people for experts and 97 people for prisoners, and to ensure the data related to prisoners, 3 more people were added to the sample size and a total of 100 people were considered. The validity of the questionnaire was modified and confirmed according to the opinion of experts. The reliability of the questionnaire was confirmed using Cronbach's alpha coefficient of 0.7. The Kolmogorov-Smirnov test was used to test the data, and the structural equation method was used to investigate the effect of the variables introduced by the researcher, and SPSS 19 and AMOOS software were used to analyze the data.

Findings: According to the findings of the research, determining indicators such as the effectiveness of the educational disciplinary model, the assessment of the needs of the educational law enforcement model, the alternative punishment of imprisonment and the performance of the police command, the implementation of the educational law enforcement model, institutions related to the determination of punishment, the evaluation of the educational law enforcement model, the change in the behavior of criminals as a result of the educational law enforcement measures, the pathology of existing non-law enforcement courses and the quality of the content of the educational law enforcement model are among the effective measures to revive and improve the status of educational punishments in the direction of reforming convicts.

Results: According to the results of the research, the necessity of the executive participation of intervening institutions in crime and the use of law enforcement capacities is emphasized. Therefore, in line with the application of new punishments and mainly replacing prison, the education and reformation of the convicts requires the reform of the law enforcement and judicial structure and ultimately the formation of a norm.

Keywords: Education of convicts, Education-oriented punishments, Police capacities, Correction and rehabilitation.

1 This article is adapted from the PhD thesis entitled "Designing a model of training courses in institutions related to determining punishment".

2 PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. Email: kxanmirzaee.lawyer@yahoo.com

3 Associate Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran (Corresponding Author). Email: heydari@khuif.ac.ir

4 Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. Email: Mahmood.ashrafi@yahoo.com

5 Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. Email: ali.yosef146@yahoo.com

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱

صص ۱۷۱-۱۴۹

تأثیر پیاده‌سازی کيفرهای آموزش مدار بر اصلاح محکومان با نگاهی به ظرفیت‌های انتظامی^۱

رضا خانمیرزایی^۲، مسعود حیدری^۳، محمود اشرفی^۴، علی یوسف‌زاده^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: اهمیت روزافزون کاهش تکرار جرم و تجربه توسل بسیاری از کشورها به پیاده‌سازی آموزش محکومان به مثابه واکنش اصلی در مقابل جرائم در راستای اصلاح و درمان محکومان بیش‌ازپیش آشکار شده است. لذا این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ظرفیت‌های انتظامی در پیاده‌سازی کيفرهای آموزش مدار بر اصلاح محکومان انجام شده است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از نظر روش کمی و از نوع پیمایشی-همبستگی است که در آن داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شده است. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب که حجم نمونه برابر جدول مورگان برای خبرگان تعداد ۸۰ نفر و برای زندانیان تعداد ۹۷ نفر بوده که برای اطمینان از داده‌های مربوط به زندانیان، تعداد ۳ نفر دیگر به حجم نمونه اضافه و جمعاً ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد. روایی پرسشنامه طبق نظر خبرگان اصلاح و تأیید شد. پایایی پرسشنامه نیز با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷ تأیید شد. برای آزمون داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و برای بررسی تأثیر متغیرهای معرفی شده توسط پژوهش‌گر، از روش معادلات ساختاری استفاده و از نرم‌افزارهای spss19 و AMOOS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: طبق یافته‌های پژوهش، شاخص‌های تعیین‌کننده‌ای چون اثربخشی الگوی انتظامی آموزشی، نیازسنجی الگوی انتظامی آموزشی، مجازات جایگزین حبس و عملکرد فرماندهی انتظامی، اجرای الگوی انتظامی آموزشی، نهادهای مرتبط با تعیین مجازات، ارزشیابی الگوی انتظامی آموزشی، تغییر رفتار مجرمان در اثر تدابیر انتظامی آموزشی، آسیب‌شناسی دوره‌های موجود غیرانتظامی و کیفیت محتوای الگوی انتظامی آموزشی از جمله تدابیر مؤثر در جهت احیا و ارتقای جایگاه کيفرهای آموزش مدار در راستای اصلاح محکومان است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش، لزوم مشارکت اجرایی نهادهای مداخله‌گر در جرم و استفاده از ظرفیت‌های انتظامی مورد تأکید است. لذا در راستای اعمال کيفرهای نوین و عمدتاً جایگزین زندان، آموزش و اصلاح محکومان مستلزم اصلاح ساختاری انتظامی و قضایی و در نهایت تشکیل هنجارستان ضروری است.

کلیدواژه‌ها: آموزش محکومان، کيفرهای آموزش مدار، ظرفیت‌های انتظامی، اصلاح و بازپروری.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «طراحی الگوی دوره‌های آموزشی در نهادهای مرتبط با تعیین مجازات» است.

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) اصفهان، ایران.

khanmirzaee.lawyer@yahoo.com

۳. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) اصفهان، ایران، نویسنده مسئول

heydari@khuisf.ac.ir

۴. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) اصفهان، ایران. Mahmood.ashrafy@yahoo.com

۵. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) اصفهان، ایران. ali.yosef146@yahoo.com

مقدمه

امروزه زیرسوال رفتن کیفر زندان و اهمیت روزافزون کیفی‌های اجتماع‌مدار، باعث افزایش توجه به اصلاح و بازپروری محکومان و آموزش به آنان به‌عنوان یکی از رویکردهای اساسی در بسیاری از نظام‌های عدالت کیفری شده است تا از این طریق هدف کاهش تکرار جرم که باعث ارتقای کیفیت حیات اجتماعی و امنیت می‌شود، محقق شود (آلبرشت، ۱۳۹۵، ۹۱؛ نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۷، ۲۸؛ یکرنگی و ایرانمنش، ۱۳۸۷، ۸۱). امنیت به مراتب وسیع‌تر و مهم‌تر از صرف حضور ضابطان و محافظان در محلات به‌منظور پیشگیری از وقوع جرم یا مبارزه با آن است. به‌منظور بازشناسی مفهوم درستی از امنیت باید به کمی عقب‌تر، یعنی زمانی قبل از تأسیس و ایجاد نظام پلیسی به معنای امروزی آن برگردیم؛ یعنی زمانی که شهروندان و جامعه محلی خود حافظ نظم عمومی و حراست از هنجارهای اجتماعی بودند و هنگامی که یکی از هنجارهای برتر توسط اشخاص مورد تعرض قرار می‌گرفت، پس از اعمال مجازات شرعی و اجتماعی، جامعه محلی به‌واسطه علما و بزرگان درصدد اصلاح و بازسازی مجرمان و منحرفان برآمده و با اعمال روش‌های مختلف آموزشی از جمله مشارکت دادن این شخص در فعالیت‌های عمومی، مذهبی و اجتماعی سعی در اصلاح و بازگشت مرتکبان جرم به دامان اجتماع و جلوگیری از تکرار مجدد جرم توسط ایشان داشته و به این وسیله علاوه بر بازگشت مجرم به دامان اجتماع، در توسعه احساس امنیت به‌واسطه اصلاح مجرم و بازسازی گاری ایشان در مفهوم واقعی کلمه ایفا نقش می‌کرده است، اما مداخلات اجتماعی با ایجاد نخستین گروه پلیس امروزی در قرن هجدهم کاسته شده و اقدامات پلیسی به اقدامات پیشگیرانه و تهاجمی در برابر مجرمان تنزل یافت.

با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۹ ملاحظه می‌شود که سیاست کیفری ایران به سمت کاهش استفاده از مجازات به‌ویژه حبس‌های تعزیری سوق پیدا کرده و در این رهگذر با توجه به فراهم نبودن زیرساخت‌های ضروری یا امکانات مناسب جهت جایگزینی اقدامات تأمینی و تربیتی و آموزش

صحیح مجرمان به منظور جلوگیری از ارتکاب جرائم، در بلندمدت مجازات‌های کیفری کارایی خود را از دست داده و از بازدارندگی برخوردار نمی‌باشند (صوری پور، ۱۳۹۵، ۵۴؛ آشوری، ۱۳۹۵، ۲۲۰). در مواجهه با این اعمال اجرای دوره‌های بازپروری مجرمان جهت جلوگیری از تکرار مجدد جرم امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

با توجه به اهمیت مشارکت نهاد انتظامی به عنوان ضابط قضایی، می‌توان از ظرفیت‌های انتظامی در جهت پیاده‌سازی آموزش محکومان و تأمین امنیت حاکم بر این فرآیند استفاده کرد؛ این امر در بندهای ۱۷ و ۱۸ از قانون نیروی انتظامی^۱ مصوب ۱۳۶۹ با عنوان مشارکت فرماندهی انتظامی با سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی به روشنی پیش‌بینی شده است. پس از تصویب قوانین مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری از سال ۱۳۹۲ تا به امروز، علی‌رغم وجود مبانی قانونی کافی جهت استفاده از نهادهای بازپروری از قبیل حرفه‌آموزی، اشتغال به حرفه خاص و... در حین به کار بستن کیفر یا نهادهای مرتبط با تعیین آن، استفاده از این رویکرد قانون‌گذار بسیار محجور واقع شده است و یکی از دلایل آن ضعف بیان ابعاد اجرایی و پیاده‌سازی این نهادهای اصلاح-مدار است. به‌ویژه آن‌که شیوه و فرآیند پیاده‌سازی آموزش از طریق بیان نهادهای ذی‌صلاح و مؤثر بر استفاده نکردن از واکنش‌های آموزش‌مدار دامن زده است. بنابراین سؤال اساسی در مقاله حاضر این است که آیا استفاده از ظرفیت‌های انتظامی در پیاده‌سازی کیفرهای آموزش‌مدار بر اصلاح و بازپروری محکومان مؤثر است؟ هدف بررسی تأثیر ظرفیت‌های انتظامی در پیاده‌سازی کیفرهای آموزش‌مدار بر اصلاح محکومان انجام شده است.

۱. به‌موجب بند ۱۷ قانون مذکور «همکاری با وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت، بانک‌ها و شهرداری‌ها در حدود قوانین و مقررات مربوط» و بند ۱۸ «همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط در جهت ایجاد و توسعه زمینه‌های فرهنگی لازم به‌منظور کاهش جرائم و تخلفات و تسهیل وظایف محوله» پیش‌بینی شده است.

پیشینه و مبانی نظری

مطابق بررسی‌های صورت گرفته، تاکنون تحقیق و مطالعه جامعی در رابطه با پیاده‌سازی کیفی‌های آموزش‌مدار بر اصلاح محکومان با استفاده از ظرفیت‌های انتظامی انجام نشده است. در حالی است که نهاد قضایی در راستای اهداف اصلاح و بازپروری ناگزیر از استفاده از ظرفیت‌های انتظامی برای پیاده‌سازی کیفی‌های آموزش‌مدار می‌باشد. در این راستا به برخی از پژوهش‌های انجام شده در حوزه آموزش محکومان اشاره شده است.

جمادی و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «تأملی بر نهاد معافیت از کیفر با توجه به اهداف مجازات‌ها و ملاحظات اخلاقی» به این نتیجه دست یافته‌اند که بین اخلاق و ارتباط آن با حقوق، اصلی‌ترین و شایع‌ترین موضوع، بررسی تأثیر اخلاق بر حقوق کیفری است. باین حال، توجه به اصول و ملاحظات اخلاقی یکی از مهم‌ترین دلایلی است که در معافیت از مجازات مورد تأکید قرار می‌گیرد و از طریق احترام و اعتماد می‌توان اراده مجرمانه را تحت تأثیر قرار داده و از تکرار جرم پیشگیری کرد.

یعقوبی و علمی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان» به این نتیجه دست یافته‌اند که بین میزان پذیرش جامعه و بازگشت مجدد به زندان، بین میزان پذیرش خانواده و بازگشت مجدد به زندان، بین میزان مهارت شغلی با میزان بازگشت مجدد به زندان و در نهایت بین میزان برچسب‌زنی با میزان بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد. همچنین، هر چه قدر زندانیان آزادشده تحت حمایت و توجه خانواده‌ها قرار گرفته و موردپذیرش جامعه، بدون هرگونه برچسب در اجتماع حضور معناداری داشته باشند، احتمال بازگشت مجدد آن‌ها به زندان کاهش می‌یابد.

فتحی و حسن‌زاده (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر مجازات زندان در پیشگیری از جرم» نشان دادند که مجازات زندان همواره تأثیر مثبتی ندارد و می‌تواند در گسترش انحرافات نیز مؤثر واقع شود. زمانی که شخصی برای اولین بار به یک رفتار انحرافی

دست‌زده است به زندان محکوم می‌شود، در واقع وارد یک شبکه از روابط اجتماعی منحرفان می‌شود که در میان آن‌ها رفتار انحرافی تشدید می‌شود و زندان تأثیر آموزش خود را بر مجرمان بی‌تجربه و مبتدی بر جای می‌گذارد.

ابراهیمی و ایزدی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی خارج از محیط کیفری ایران و کانادا» نشان دادند که راهبردهای اصلاحی خارج از محیط کیفری، سه راهبرد حمایت از زندانی آزادشده، توسعه ضمانت اجراهای اجتماع‌محور و نظارت، کنترل و تمرین، نقش آفرینی می‌کنند. جلوه‌های حقوق کانادا نشان‌دهنده محلی، معنوی‌محور و مذهب‌مدار بودن راهبرد حمایت، قاعده‌مند بودن راهبرد توسعه ضمانت اجراهای اجتماع‌مدار و جامع و هدفمند بودن راهبرد نظارت و کنترل و تمرین است. سیستم اصلاحی ایران هرچند در رویکرد اخیر خود به راهبرد توسعه ضمانت اجراهای اجتماع‌محور توجه کرده است ولی زمینه‌های لازم برای عملی کردن این راهبرد وجود ندارد و شکست آن، اتفاقی عجیب نخواهد بود. راهبرد حمایتی نیز در عمل مورد اقبال قرار نگرفته است. در ارتباط با راهبرد نظارت، کنترل و تمرین در سطح اجرایی هم علی‌رغم وجود نهادهای متفاوت، عناصر کارساز و هدف‌محور از توجهات قانون‌گذار به دور مانده است. در ارزیابی راهبردهای اصلاحی ایران می‌توان ظاهر سازی راهبردی را ویژگی بارز این سیستم دانست.

حاجی تبارفیروزجائی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)» به این نتیجه رسید که پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین حبس نه تنها می‌تواند باعث متنوع‌تر شدن ضمانت اجراها و در نتیجه اجرای عدالت شود. بلکه اصلاح و بازسازی اجتماعی مجرم را بیشتر فراهم کنند. این تدابیر در حقوق کیفری ایران محدود و تنها شامل مصادیقی مانند تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تبدیل مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و نیز جزای نقدی می‌شود.

بروکس^۱ (۲۰۱۲)، در کتاب «مجازات» طی سه بخش، نظریه‌های عمومی، نظریه‌های پیش‌بینی و مطالعات موردی را مطرح کرده است. نظریه‌ها را به‌طور جداگانه بررسی و محاسن و معایب هریک را مقایسه کرده و سرانجام نظریه «متشکل مجازات» را پیش‌بینی می‌کند. بر اساس این نظریه، مجازات می‌تواند به اهداف کیفری چندگانه‌ای درون چارچوب هم‌ساز و متشکل پردازد؛ از این رو، مجازات به‌طور قطعی سزاکرا، بازدارنده و یا بازپرورانه نیست، بلکه می‌تواند همه آن‌ها را یکجا داشته باشد.

تانیمو^۲ (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان «محکومان نیجریه و آرمان بازپروری زندان» نشان داد که زندان‌ها چه از نظر امکانات، چه از نظر کارکنان و چه از نظر برنامه، آمادگی اصلاح و بازپروری مجرمین را ندارند و برای اصلاح و بازپروری مؤثر محکومان، باید گام‌های اساسی برای کنترل مبنای اجتماعی - اقتصادی بزهکاری برداشته شود.

گریس و شولاستیکا^۳ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «آموزش کیفی برای زندانیان: شیوه‌ای برای توان‌بخشی و ادغام مؤثر در جامعه» به این نتیجه رسیدند که ناکامی نهادهای اصلاح و تربیت در کاهش جرم باید مورد توجه قرار گیرد. چراکه آموزش کیفی و حرفه‌ای برای زندانیان ناکافی است و بین توان‌بخشی زندانیان و آموزش رسمی ارتباطی وجود نداشت. بر اساس یافته‌ها، توصیه می‌شود که به زندانیان آموزش‌های کیفی و حرفه‌ای برای توان‌بخشی و ادغام در جامعه ارائه شود.

کاتینگهام^۴ (۱۹۸۸)، در اثر خود با عنوان «فلسفه مجازات» به این نتیجه رسیده است که در رویکرد آینده‌نگر، مجازات به دلیل تأمین هدف آتی و نتایج سودمند آن توجیه می‌شود؛ در حالی که رویکرد گذشته‌نگر، به خطایی که مجرم مرتکب شده است، توجه دارد. معروف‌ترین مظهر رویکرد گذشته‌نگر نظریه تلافی‌جویانه است که ایده اصلی آن

-
1. Brooks
 2. Tanimu
 3. Grace & Scholastica
 4. Cottingham

به یک معنا تاوان جرم است. از جمله مظاهر رویکرد آینده‌نگر، نظریه تقلیل جرائم، بازپروری، اصلاح و درمان است؛ که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص پیشینه پژوهش‌ها و مطالعات ملاحظه می‌شود که اغلب فعالیت‌های پژوهشی در ارتباط با شیوه‌های غیرکیفری اصلاح و بازپروری بوده است. اما پژوهش حاضر که در راستای بررسی تأثیر پیاده‌سازی کیفرهای آموزش مدار بر اصلاح محکومان با نگاهی به ظرفیت‌های انتظامی است از این جهت که کیفرهای آموزش مدار با استفاده از ظرفیت‌های انتظامی مدنظر می‌باشد دارای نوآوری بوده و سابقه پژوهش داخلی و خارجی در این زمینه یافت نشد.

مبانی نظری

دوره آموزشی: دوره آموزشی مجموعه فعالیت‌های آموزشی است که با هماهنگی نهادها مختلف در جهت تغییر در بینش، نگرش و رفتار مجرمان برگزار می‌شود (پیرایی، ۱۳۹۷، ۴۲).

پیاده‌سازی: منظور از پیاده‌سازی، اجرای برنامه‌های آموزشی با محوریت اصلاح و بازپروری برای محکومان است. البته برای اثربخشی بهتر لازم است این برنامه‌ها مطابق با کیفرهای اتخاذشده از سوی مقام قضایی با در نظر گرفتن موقعیت و شخصیت محکوم علیه، تدوین شود.

نظریه اصلاح و بازپروری: شناخت بزهکار و توانایی‌ها و استعدادها، در اعمال مجازات مناسب با احوال او، کمک شایانی خواهد کرد (ویلسون^۱ و همکاران، ۲۰۱۰، ۴۵). شناسایی این استعدادها همواره مدنظر سیاست‌گذاران کیفری بوده است تا بدین وسیله بتوانند با شناخت نقاط ضعف و قوت او مجازاتی درخور را اعمال نمایند که بهتر و زودتر به اصلاح بزه‌کار نائل شوند. مفهوم درمان به معنی شناخت کلیه استعدادها و شایستگی‌های مجرمان است تا بتوان با این آگاهی به درمان آنان پرداخت و در

^۱. Wilson

پیشگیری از جرم نیز در معنای خاص کلمه، موفقیت پیدا کرد (لاتیمور^۱، ۲۰۲۱، ۲۱). البته نباید از درمان، صرفاً معالجات طبی- روانی را استنباط کرد، بلکه کلیه مسائل فردی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مجرم را نیز در برمی‌گیرد. سیاست اصلاح و درمان در سیر حرکتی خود، به تدریج از کیفر زندان فاصله گرفت و به سمت کیفی‌های اجتماع‌محور سوق یافته است. به گونه‌ای که امروزه شیوه اصلی دست‌یابی به اصلاح بزه‌کار به وسیله مجازات جامعه‌مدار انجام می‌گیرد.

آموزش بزه‌کارانی که وصف و برجسب محکوم را دریافت می‌کنند از جمله مهم‌ترین اقدامات در راستای کاهش تکرار بزه‌کاری است (لیستوان^۲ و همکاران، ۲۰۱۳، ۶۷). رکن اساسی تدابیر بازپذیرسازی محکومان تأکید بر آموزش و اصلاح آنان است (کولن^۳، ۲۰۱۲، ۹۱). به همین دلیل است که در کشورهای پیشرو، تمامی نهادهای تعیین‌کننده میزان کیفر زندان و مرتبط با آن را تحت عنوان تدابیر اصلاح‌مدار^۴ مورد مطالعه قرار می‌دهند (لاتیمور و همکاران، ۲۰۲۱، ۱۰۵).

محکومانی که موضوع و هدف آموزش قرار دارند را می‌توان در دسته‌بندی‌های چهارگانه‌ای طبقه‌بندی کرد: ۱- بزه‌کارانی که در مسیر محاکمه و مشمول کیفر هستند؛ ۲- محکومان قطعیت‌یافته به کیفرهای جایگزین حبس؛ ۳- محکومان در حال تحمل کیفر حبس؛ و ۴- محکومان آزادشده قبل از اتمام مدت حبس. در نوع اول، آموزش تعیین مجازات متناسب از سوی نظام قضایی مطرح می‌شود و در سه دسته بعدی، آموزش محکوم با هدف تحقق اصلاح و درمان وی مطرح است.

نظریه پیشگیری اجتماعی از تکرار جرم: از جمله دلایل مهم توسل به تدابیر آموزش‌مدار، جمعیت نگران‌کننده زندانیان در ایران است (ابراهیمی، ۱۳۹۵، ۲۵). آزادسازی‌های مرتبط با شیوع بیماری‌های فراگیر از جمله کرونا، آزادی‌های مرتبط با

-
1. Lattimore
 2. listwan
 3. Cullen
 4. Corrections and sentencing

آیین‌ها و مراسم‌های مختلف و از همه مهم‌تر آزادسازی‌های مرتبط با اجرای قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، نتوانسته‌اند چاره جمعیت بالای زندانیان در ایران را حل کنند (غلامی، ۱۳۹۵، ۲۳۴). مناسب‌ترین راهکار برای توجه هم‌زمان به خواست جامعه در مجازات محکومان از یک‌سو و اعتبار دادنامه‌های قضایی از سوی دیگر، بهره‌گیری از آموزش حین اعمال نهادهای تعیین مجازات است تا محکوم ضمن تحمل مجازات بیرون از زندان، به‌طور پیوسته در حال آموزش دیدن باشد. تدابیر آموزش‌مدار در عین همسوبودن با تدابیر اصلاح‌مدار، در بستر جایگزین‌های حبس نیز قابلیت اعمال پیدا می‌کند و در مسیر این نهادهای جایگزین، می‌توان معتقد به همکاری مؤثر نهاد انتظامی در پیاده‌سازی تدابیر و برنامه‌های آموزش محکومان و کنترل و نظارت بر آن‌ها باشد.

هدف ارباب و جلوگیری نباید به شکل و ترتیبی باشد که هدف مهم‌تر نظام جزایی، یعنی تربیت مجدد محکوم را غیرممکن سازد (تیلیو^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۲)؛ زیرا هدف مهم مجازات، به خصوص در دوره‌های اخیر و با توسعه عقاید مکتب تحقیقی حقوق جزا و دفاع اجتماعی جدید، آن است که با وسایل تربیتی مؤثر درصدد اصلاح حال محکومین برآید تا این افراد دوباره وارد جامعه شوند و از طریق کار و فعالیت مشروع زندگانی خود را تأمین نمایند (صفاری، ۱۳۹۷، ۱۳۵). در بستر این هدف مهم از اجرای مجازات می‌توان جایگاه آموزش محکومان و عملکرد نهاد مؤثری مانند فرماندهی انتظامی در کنترل و مشارکت اجرایی در آن را قابل توجه و مهم یافت.

بسیاری از محکومان زندانی با تدابیری همچون آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی، تعلیق اجرای مجازات و نظارت الکترونیکی از زندان خارج می‌شوند و همین امر اصلاح رفتار آنان را با مشکل مواجه کرده و ضرورت نظارت و مشارکت فرماندهی انتظامی و نهاد قضایی را دوچندان می‌کند. در این راستا باید الگوی جامعه‌محور یا جامعه‌گرا که در چند دهه اخیر در حوزه کار پلیس مطرح شده است که به‌مثابه یک اصول سازمانی در

راستای استفاده از ظرفیت‌های انتظامی به منظور مدیریت آموزش محکومان مدنظر قرار گیرد. برای نمونه، بر اساس ماده ۶ از آیین‌نامه اجرایی بند (و) تبصره (۱۷) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور «واحدهای نظارت الکترونیکی، زندانیان را به صورت شبانه‌روزی تحت نظارت قرار داده و در صورت تخلف از تعهد اخذشده، بلافاصله موضوع توسط این واحدها حسب مورد از طریق تلفن یا با کمک مأمورین انتظامی محل، کنترل و متخلف به زندان احضار می‌شوند.» همچنین در تبصره (۱) این ماده «چنانچه زندانی پس از احضار شفاهی یا کتبی ظرف مدت تعیین‌شده و حداکثر بیست و چهار ساعت خود را به زندان معرفی ننماید، موضوع از سوی رئیس زندان به مرجع قضایی مربوط اعلام و مرجع یادشده مکلف است نسبت به ضبط وثیقه و صدور دستور دستگیری زندانی توسط نیروی انتظامی اقدام نماید.» متن اشاره‌شده به روشنی حکایت‌گر، تأثیر ظرفیت‌های انتظامی در حوزه محکومان است.

در زیر به برخی از اقدامات که به‌نوعی در راستای اصلاح و بازپروری محکومان زندانی مؤثر هستند اشاره شده است.

آموزش حرفه‌ای-شغلی: هنجارهای بین‌المللی از متصدیان امور زندان می‌خواهد تا برای زندانیان در درون زندان کار فراهم گردد (نوبهار، ۱۳۹۲، ۸۶)؛ هرچند بر اساس پاراگراف دوم ماده ۷۱ از قواعد حداقل اصلاح زندانیان، تنها محکومان باید مشغول به کار شوند و نه متهمان بازداشت موقت. پاراگراف ۶ ماده ۷۱ نیز مقرر می‌دارد، مدیران زندان باید در انتخاب نوع کار ترجیحات زندانی را لحاظ کنند. بر اساس پاراگراف اول از ماده ۷۶ و نیز اصل ۸ از اصول بنیادین مربوط به اصلاح بزهکاران، کار در زندان باید با اجرت باشد و بتواند توانایی‌های زندان در اداره آبرومندانه زندگی را حفظ و یا بهبود بخشد. ضمن این که شرایط و قواعد کار در زندان نیز باید شبیه کار در محیط بیرون از زندان باشد. بدین ترتیب، از آنجایی که در خارج از زندان، برای افراد فاقد تجربه کاری، فرصت شغل فراهم نیست، مقامات زندان باید تمام تلاش خود را برای

افزایش توان حرفه‌ای زندانیان بکار گیرند تا این دسته قادر شوند پس از آزادی شغل مناسب یافته و آن را نگه‌دارند. بدون این توانایی و مهارت، بازپذیری اجتماعی آنان با مانع روبرو خواهد شد. در برنامه ششم توسعه، ضمن اشاره به «بهبود بخشیدن به وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها»، به‌طور خاص در بند ۵ از بند پ ماده ۱۱۳، اشتغال حین حبس و پس از آزادی، آموزش، سلامت و درمان، طرح‌های حمایتی از خانواده زندانیان و کمک به خودکفایی زندان‌ها، همکاری نهادهای غیردولتی به رسمیت شناخته شده است، لذا فارغ از خصوصی‌سازی اجرای زندان‌ها، جلب مشارکت نهادهای غیردولتی در سیاست‌های اصلاح‌مدار جایگزین مورد تأکید قرار گرفته شده است.

آموزش اخلاقی - مذهبی^۱: تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی به آنچه نهادهای آموزشی برای کمک به افراد جهت تفکر پیرامون مسائل مربوط به درستی یا نادرستی امور و در پی آن تمایل به رفتارهای صحیح اجتماعی و نیز کمک به آن‌ها جهت رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود. محتوای اخلاقی و مذهبی به‌طور عموم برای همه طبقات زندانیان است. در پرتو دوره‌های آموزشی یکی از معیارهای که باعث می‌شود این دوره‌ها برگزار شود. تقویت اخلاق و مذهب به طبقات مختلف زندانیان است. چون اخلاق بستر تغییر رفتار بسیاری از مجرمان زندانی است.

آموزش‌های اجتماع‌محور^۲: یکی از اصول برنامه‌ریزی در دوره‌های آموزشی، تربیت و رشد شخصیت زندانیان است. به‌طوری‌که محتوای این دوره‌های آموزشی بر اساس بنیانی باشد که زندانیان حس اجتماع‌محور بودن را در جامعه به‌خوبی درک کنند. مجرم باید بتواند به این درک ذهنی برسد که در اجتماع همه‌چیز و همه مسائل به هم پیوند دارند.

-
1. Moral and religious content
 2. Community-centered content

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از نظر روش جزء پژوهش‌های کمی و از نوع پیمایشی-همبستگی است که در آن داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شده است. جامعه آماری آن را تعداد ۱۰۰ نفر از خیرگان قضایی و انتظامی و تعداد ۱۳۰ نفر از زندانیان تشکیل می‌دهند که با استفاده از جدول مورگان حجم نمونه برای خبرگان تعداد ۸۰ نفر و حجم نمونه برای زندانیان تعداد ۹۷ نفر بوده که برای اطمینان از داده‌های مربوط به زندانیان، تعداد ۳ نفر دیگر به حجم نمونه اضافه و جمعاً ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. روایی پرسشنامه از دو جنبه روایی محتوایی و روایی سازه بررسی شد. برای بررسی روایی، پرسشنامه در اختیار چند نفر از کارشناسان و اساتید خبره مسلط به موضوع قرار گرفت و با توجه به نظرات ایشان، روایی بررسی و تغییرات لازم انجام پذیرفت. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. خروجی آلفای کرونباخ هر یک از شاخص‌ها به ترتیب متغیرها در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: آزمون آلفای کرونباخ متغیرها

مقدار آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	متغیرها
۰/۸۲	۱۴	اجرای الگوی انتظامی آموزشی
۰/۸۸	۹	اثر بخشی الگوی انتظامی آموزشی
۰/۸۴	۱۵	تغییر رفتار مجرمان در اثر تدابیر آموزشی انتظامی
۰/۸۵	۹	نهادهای مرتبط با تعیین مجازات
۰/۸۴	۱۰	کیفیت محتوای الگوی انتظامی آموزشی
۰/۸۹	۱۵	نیازسنجی الگوی انتظامی آموزشی
۰/۸۷	۵	ارزشیابی الگوی انتظامی آموزشی
۰/۸۳	۱۰	مجازات‌های جایگزین حبس و عملکرد فرماندهی انتظامی
۰/۸۵	۷	آسیب‌شناسی دوره‌های موجود غیر انتظامی

با توجه به این که ضریب آلفای کروناخ محاسبه شده برای همه متغیرهای پژوهش به صورت مجزا و همچنین در مجموع بیش از ۰/۷ است، بنابراین می توان گفت پرسشنامه طراحی شده از پایایی لازم برخوردار است. شاخص های ارزیابی در این آزمون، آماره کفایت نمونه برداری (KMO) و سطح معناداری بارتلست هستند. خروجی این بخش در جدول شماره ۲ به صورت زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۲: خروجی آزمون بارتلست

متغیرها	معیار KMO	سطح معنی داری
اجرای الگوی انتظامی آموزشی	۰/۵	۰/۰۰۰
اثربخشی الگوی انتظامی آموزشی	۰/۸۷۱	۰/۰۰۰
تغییر رفتار مجرمان در اثر تدابیر آموزشی انتظامی	۰/۸۸۴	۰/۰۰۰
نهادهای مرتبط با تعیین مجازات	۰/۷۳۶	۰/۰۰۰
کیفیت محتوای الگوی انتظامی آموزشی	۰/۷۲۹	۰/۰۰۰
نیازسنجی الگوی انتظامی آموزشی	۰/۶۹۲	۰/۰۰۰
ارزشیابی الگوی انتظامی آموزشی	۰/۷۲۹	۰/۰۰۰
مجازات های جایگزین حبس و عملکرد فرماندهی انتظامی	۰/۶۰۵	۰/۰۰۰
آسیب شناسی دوره های موجود غیرانتظامی	۰/۷۱۱	۰/۰۰۰

برای تأیید کفایت نمونه برداری، مقادیر بیش از ۵۰ درصد قابل قبول است. شاخص مذکور برای متغیرهای پژوهش اندازه گیری شده و با توجه به مقدار به دست آمده، می توان مقدار نمونه را مناسب در نظر گرفت.

همچنین در این پژوهش برای بررسی و آزمون نرمالیتی داده ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و برای بررسی تأثیر متغیرهای معرفی شده توسط پژوهش-گر، از روش معادلات ساختاری استفاده و از نرم افزارهای spss19 و AMOOS بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

یافته‌های تحلیل آمار توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه موردبررسی به شرح جدول شماره ۳ است.

جدول شماره ۳: یافته‌های جمعیت‌شناختی نمونه موردبررسی

متغیر		خبرگان		زندانیان	
		مرد	زن	مرد	زن
جنسیت	فراوانی-درصد	فراوانی-درصد		فراوانی-درصد	
		۶۱-۷۶/۲٪	۱۹-۲۳/۸٪	۸۲-۸۲٪	۱۸-۱۸٪
تأهل	متأهل	۶۵-۸۱/۲٪	۱۵-۱۹/۸٪	متأهل	مجرد
				۸۹-۸۹٪	۱۱-۱۱٪
مدرک تحصیلی	کارشناسی ارشد و کمتر	کارشناسی و کمتر	دکتری	کارشناسی و بیشتر	کارشناسی و بیشتر
		۳۸-۴۷/۵٪	۴۲-۵۲/۵٪	۸۷-۸۷٪	۱۳-۱۳٪
سابقه کاری	کمتر از ۱۵ سال	بالاتر از ۱۵ سال			
		۵۲/۵٪	۴۷/۵٪		
رشته تحصیلی	حقوق	روانشناسی	مدیریت و جامعه‌شناسی	سایر	سایر
		۲۷/۵٪	۱۷/۵٪	۱۵٪	۲۴٪
مجموع		۸۰٪			

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (تعیین نرمال و غیر نرمال بودن متغیرها):
 آزمون کولموگروف-اسمیرنوف به‌عنوان یک آزمون تطابق توزیع برای بررسی توزیع داده‌های کمی است. از این آزمون برای آزمون نرمال بودن توزیع جامعه استفاده می‌شود. یافته‌های حاصل از اجرای این آزمون در جدول زیر خلاصه شده است.

داده‌های متغیر I دارای توزیع نرمال است: H_0

داده‌های متغیر I دارای توزیع نرمال نیست: H_1

جدول شماره ۴: جدول آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

نتیجه	تائید / عدم تائید	سطح معنی داری	شاخص
نرمال است	H ₀	۰/۱۳۵	اجرای الگوی انتظامی آموزشی
نرمال است	H ₀	۰/۱۱۵	اثربخشی الگوی انتظامی آموزشی
نرمال است	H ₀	۰/۱۲۵	تغییر رفتار مجرمان در اثر تدابیر آموزشی انتظامی
نرمال است	H ₀	۰/۱۱۴	نهادهای انتظامی مرتبط با تعیین مجازات
نرمال است	H ₀	۰/۱۲۰	کیفیت محتوای الگوی انتظامی آموزشی
نرمال است	H ₀	۰/۱۳۲	نیازسنجی الگوی انتظامی آموزشی
نرمال است	H ₀	۰/۱۲۳	ارزشیابی الگوی انتظامی آموزشی
نرمال است	H ₀	۰/۱۴۲	مجازات‌های جایگزین حبس و عملکرد فرماندهی انتظامی
نرمال است	H ₀	۰/۱۰۵	آسیب‌شناسی دوره‌های موجود غیرانتظامی

یافته‌های حاصل از اجرای این آزمون نشان داد چون مقدار سطح معنی داری برای شاخص‌های مورد تحلیل (اجرای الگوی انتظامی آموزشی، اثربخشی الگوی انتظامی آموزشی، تغییر رفتار مجرمان در اثر تدابیر آموزشی انتظامی، نهادهای انتظامی مرتبط با تعیین مجازات، کیفیت محتوای الگوی انتظامی آموزشی، نیازسنجی الگوی انتظامی آموزشی، ارزشیابی الگوی انتظامی آموزشی، مجازات‌های جایگزین حبس و عملکرد فرماندهی انتظامی، آسیب‌شناسی دوره‌های موجود غیرانتظامی) بزرگ‌تر از مقدار خطا ۰/۰۵ است در نتیجه این متغیرها دارای توزیع نرمال هستند.

آزمون شاخص‌های تأثیر گذار بر الگوی آموزشی پیشنهادی:

در بخش تحلیل استنباطی به آزمون عوامل تأثیر گذار بر الگوی آموزشی نهادهای تعیین مجازات پرداخته شده است.

جدول شماره ۵: شاخص‌های مرتبط با برازش الگوی پژوهش

نام آزمون	توضیحات	مقادیر قابل قبول	مقدار به دست آمده
χ^2/df	کای اسکور نسبی	< ۳	۲/۱۰۲

RMSEA	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	< ۰/۱	۰/۰۵
RMR	ریشه میانگین مجذور باقیمانده‌ها	< ۰/۱	۰/۹۵
GFI	شاخص برازندگی تعدیل یافته	> ۰/۹	۰/۹۴۳
NFI	شاخص برازش نرم	> ۰/۹	۰/۹۵۶
CFI	شاخص برازش مقایسه‌ای	> ۰/۹	۰/۹۲۵

همان‌طور که در جدول شماره ۵ مشخص شده است، مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۵ است لذا این مقدار کمتر از ۰/۱ است که نشان‌دهنده این است که میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب است و مدل اولیه قابل قبول می‌باشد. همچنین میزان شاخص - GFI، CFI و NFI نیز از ۰/۹ بیشتر می‌باشد که نشان می‌دهند مدل اندازه‌گیری این متغیر پژوهش، مدل مناسبی است. برای تعیین چگونگی تأثیر عوامل از نرم‌افزار AMOOS بهره گرفته شده است. یافته‌های این بخش در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۶: بررسی تأثیر متغیرهای پژوهش

نتیجه	P سطح معناداری	CR نسبت بحرانی	ضریب مسیر (B)	شاخص‌ها
تائید	۰/۰۵	۲/۳۴	۰/۶۲	اجرای الگوی انتظامی آموزشی
تائید	۰/۰۵	۲/۶۷	۰/۷۸	اثر بخشی الگوی انتظامی آموزشی
تائید	۰/۰۵	۲/۱۲	۰/۵۷	تغییر رفتار مجرمان در اثر تدابیر انتظامی آموزشی
تائید	۰/۰۵	۲/۷۸	۰/۶۰	نهادهای مرتبط با تعیین مجازات
تائید	۰/۰۵	۲/۸۴	۰/۴۵	کیفیت محتوای الگوی انتظامی آموزشی
تائید	۰/۰۵	۲/۸۳	۰/۷۵	نیازسنجی الگوی انتظامی آموزشی
تائید	۰/۰۵	۲/۵۹	۰/۵۹	ارزشیابی الگوی انتظامی آموزشی
تائید	۰/۰۵	۲/۷۱	۰/۶۷	مجازات‌های جایگزین حبس و عملکرد فرماندهی انتظامی
تائید	۰/۰۵	۲/۶۷	۰/۴۹	آسیب‌شناسی دوره‌های موجود غیر انتظامی

جهت آزمون معناداری شاخص‌های تأثیر گذار بر الگوی آموزشی پیشنهادی، نسبت

بحرانی (CR) و سطح معناداری (P) استفاده شده است. چنانچه نسبت بحرانی (CR) بیشتر از ۱/۹۶ باشد ضریب رگرسیونی در سطح اطمینان ۹۵ درصد و چنانچه نسبت بحرانی (CR) بیشتر از ۲/۵۷ باشد ضریب رگرسیونی در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. چنانچه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد ضریب رگرسیونی استاندارد شده در سطح اطمینان ۹۵ معنادار می‌باشد. چنانچه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ باشد ضریب رگرسیونی استاندارد شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. همان‌طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود کلیه شاخص‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر طراحی الگوی آموزشی پیشنهادی دارند. با توجه به این که نسبت بحرانی خارج از بازه (۱/۹۶ و ۲/۵۷) می‌باشد و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، تمامی شاخص‌ها در سطح اطمینان ۰/۹۵ تأیید شده است. میزان تأثیرگذاری شاخص‌ها به ترتیب اولویت، اثربخشی الگوی انتظامی آموزشی ۰/۷۸، نیازسنجی الگوی انتظامی آموزشی ۰/۷۵، مجازات‌های جایگزین حبس و عملکرد فرماندهی انتظامی ۰/۶۷، اجرای الگوی انتظامی آموزشی ۰/۷۵، نهادهای مرتبط با تعیین مجازات ۰/۶۰، ارزشیابی الگوی انتظامی آموزشی ۰/۵۹، تغییر رفتار مجرمان در اثر تدابیر انتظامی آموزشی ۰/۵۷، آسیب‌شناسی دوره‌های موجود غیرانتظامی ۰/۴۹ و کیفیت محتوای الگوی انتظامی آموزشی ۰/۴۵ می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

از آن‌جا که پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ظرفیت‌های انتظامی در پیاده‌سازی کفرهای آموزش‌مدار بر اصلاح محکومان انجام شده است. شاخص‌های تعیین‌کننده‌ای چون اثربخشی الگوی انتظامی آموزشی، نیازسنجی الگوی انتظامی آموزشی، مجازات‌های جایگزین حبس و عملکرد فرماندهی انتظامی، اجرای الگوی انتظامی آموزشی، نهادهای مرتبط با تعیین مجازات، ارزشیابی الگوی انتظامی آموزشی، تغییر رفتار مجرمان در اثر تدابیر انتظامی آموزشی، آسیب‌شناسی دوره‌های موجود غیرانتظامی و کیفیت محتوای الگوی انتظامی آموزشی در راستای اصلاح محکومان

احصا شد. با توجه به توسعه رویکرد جامعه‌محوری فرماندهی انتظامی در سال‌های اخیر و شاخص‌های احصا شده، فرماندهی انتظامی در فرایند کيفرهای آموزش‌مدار می‌تواند نقش بی‌بدیلی ایفا کند. در واقع از زمان نیازسنجی آموزشی، اجرا و در نهایت ارزشیابی آن می‌تواند بر اساس شاخص‌های انتظامی مؤثر در پیشگیری از جرم از طریق اصلاح و بازپروری به‌عنوان یک نهاد فعال و مداخله‌گر در جرم سیاست‌ها و تدابیر تعیین‌کننده‌ای اتخاذ نماید. این نتیجه با نتایج برخی از پژوهش‌ها از جمله فتحی و حسن‌زاده (۱۳۹۵)، مبنی بر «تأثیر نداشتن مجازات زندان در پیشگیری از جرم» و پژوهش ابراهیمی و ایزدی (۱۳۹۲)، مبنی بر «نبود راهبرد حمایتی در اصلاح زندانیان» همسو نیست. اگر با نتایج پژوهش‌های حاجی‌تبارفیروزجائی (۱۳۸۷)، مبنی بر «اصلاح و بازسازی‌گری اجتماعی مجرم با جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کيفری ایران»؛ بروکس (۲۰۱۲)، مبنی بر «وجود اهداف متعدد بازدارندگی و اصلاح و بازپروری در کيفرها»؛ تانیمو (۲۰۱۰)، مبنی بر «عدم آمادگی زندان‌ها برای اصلاح و بازپروری مجرمان»؛ گریس و شولاستیکا (۲۰۰۹)، مبنی بر «آموزش کيفی برای زندانیان در راستای توان‌بخشی و بازاجتماعی‌کردن آن‌ها» هم‌راستا است.

در واقع نتایج این پژوهش نشان داد که باید مسیر تعیین مجازات‌ها سمت آموزش-محوری اصلاح شود تا در نهایت اتمام هر دوره محکومیت ضرورتاً با آموزش همراه باشد. از نظر مفاد قانونی، ماده ۷۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به‌عنوان اولین مقرر در قانون عادی است که به‌صراحت استقرار مأموران آموزش‌دیده در واحدهای اجرای احکام قوه قضاییه و تعزیرات حکومتی را مطرح می‌کند. چراکه اقدامات انتظامی می‌تواند بر شاخص‌های مختلفی از جمله شخصیت محکومان، نوع بزهکاری، دفعات بزهکاری و... مؤثر باشد. این موضوع برای محکومان با متناسب‌سازی آموزش یا دوره‌های آموزشی می‌تواند تضمین‌کننده سیاست‌ها و تدابیر اصلاح و بازپروری محکومان باشد.

پیشنهاد‌های کاربردی

- ۱- تشکیل هنجارستان انتظامی ذیل فرماندهی پلیس پیشگیری فراجا در راستای پیشگیری از تکرار جرم.
- ۲- جذب نیروی متخصص و آموزش حین خدمت در راستای پیاده‌سازی کيفرهای آموزش مدار.
- ۳- تصویب مقررات موردنیاز با هدف پیش‌بینی و تعیین میزان مداخله نهادهای مختلف در پیاده‌سازی کيفرهای آموزش مدار.

سپاسگزاری

نویسندگان بر خود فرض می‌دارند؛ در پایان از تمام خبرگان و زندانیانی که در جهت تکمیل این پژوهش همکاری لازم را داشته‌اند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

منابع

۱. آلبرشت، هانس یورگ (۱۳۹۵). تورم جمعیت زندان‌ها؛ در جست‌وجوی کارآمدترین راه‌حل‌ها، ترجمه و تحقیق: حسین میرمحمدصادقی و همکاران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲. آشوری، محمد (۱۳۹۵). جایگزین‌های زندان و مجازات‌های بینابین، تهران: نشر گرایش، چاپ چهارم.
۳. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۵). پیشگیری از تکرار جرم در پرتو بازپدیرسازی اجتماعی بزهکاران، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۴. یعقوبی، محمد و علمی، محمود (۱۳۹۶). نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، سال دهم، شماره ۳۵، صص ۲۳-۷، قابل بازیابی از:

https://jss.tabriz.iau.ir/article_532157.html

۵. ابراهیمی، شهرام و ایزدی، عبدالله (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی خارج از محیط کیفری ایران و کانادا، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۷، شماره ۸۴، صص ۴۰-۷۷، قابل بازیابی از: http://www.jlj.ir/article_10795.html
۶. حاجی تبارفیروزجائی، حسن (۱۳۸۷). جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۲، شماره ۶۴، صص ۸۸-۶۸، قابل بازیابی از: http://www.jlj.ir/article_11242.html
۷. جمادی، زهرا؛ مالمیر، محمود و شادمانفر، محمدرضا (۱۳۹۸). تأملی بر نهاد معافیت از کیفر با توجه به اهداف مجازات‌ها و ملاحظات اخلاقی، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱۰۲-۸۵، قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/file/download/article/1582010994-9521-38-5.pdf>
۸. فتحی، مرتضی و حسن‌زاده، شهلا (۱۳۹۵). تأثیر مجازات زندان در پیشگیری از جرم، اولین همایش ملی مدیریت و علوم انسانی، صص ۲۴-۱، قابل بازیابی از: <https://civilica.com/doc/527188>
۹. حبیب، پیرایی (۱۳۹۷). بررسی نقش سیاست‌های آموزشی- تربیتی در پیشگیری از بزهکاری، اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی.
۱۰. غلامی، حسین (۱۳۹۵). کیفرشناسی؛ کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم، تهران: نشر میزان، چاپ دوم.
۱۱. صبوری‌پور، مهدی (۱۳۹۵). تأثیر میزان خطرپذیری افراد بر بازدارندگی مجازات نسبت به آن‌ها، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص ۲۲۷-۲۵۱، قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/downloadpdf/1188512?>
۱۲. صفاری، علی (۱۳۹۶). کیفرشناسی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ ۳۱.
۱۳. نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین (۱۳۸۷). سیاست جنایی ایران در قلمرو اداره زندان‌ها؛ تحول مستمر مقررات اجرایی، دیپاچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه: علی حسین نجفی‌ابرنادآبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ هشتم.

۱۴. نوبهار، رحیم (۱۳۹۲). حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ سوم.
۱۵. یکرنگی، محمد؛ ایرانمنش، مهدی (۱۳۸۷). کیفرهای اجتماع‌محور: از نظریه تا عمل، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۷۲، شماره ۶۴، صص ۸۹-۱۱۲، قابل بازیابی از: 10.22106/jlj.2008.11243
16. Cullen, F. T. (2012). Taking rehabilitation seriously: Creativity, science, and the challenge of offender. *Punishment and Society*, 14, 94–114, Retrieval from: doi/abs/10.1177/1462474510385973
17. Lattimore, Pamela K, Beth M. Huebner, and Faye S. Taxman (2021). *handbook on moving corrections and sentencing forward Building on the Record*, Routledge.
18. Listwan, S. J., Sullivan, C. J., Agnew, R., Cullen, F. T., & Colvin, M. (2013). The pains of imprisonment revisited: The impact of strain on inmate recidivism. *Justice Quarterly*, 30, 144–168, Retrieval from: <https://doi.org/10.1080/07418825.2011.597772>
19. Thielo, A. J., Cullen, F. T., Cohen, D. M., & Chouhy, C. (2015). *Rehabilitation in a Red State: Public support for correctional reform in Texas*. Unpublished paper, University of Cincinnati.
20. Wilson, D. B., Gallagher, C. A., & MacKenzie, D. L. (2010). A metaanalysis of corrections-based education, vocation, and work programs for adult offenders. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 11(4), pp 141-119, Retrieval from: doi/10.1177/0022427800037004001
21. Cottingham, J.G. (1988). *An Encyclopedia of philosophy*, London: Routledge.
22. Thom Brooks (2012). *Punishment*, London: Routledge.
23. Grace, Omoni & Scholastica, ijeh (2009). Qualitative education for prisoners: a panacea to effective rehabilitation and integration into the society, *Edo Journal of Counselling* Vol. 2, No. 1, pp 28- 37, Retrieval from: file:///C:/Users/man/Desktop/Downloads/52651-Article%20Text-81553-1-10-20100311.pdf

24. Tanimu, Bashir (2010). Nigeria convicts and prison rehabilitation ideals, *Journal of Sustainable Development in Africa*, Volume 12, No.3, pp 140- 152, Retrievable from: [https://jsd-africa.com/Jsda/V12No3_Summer2010_A/PDF/Nigeria%20Convicts%20and%20Prison%20Rehabilitation%20Ideals%20\(Tanimu\).pdf](https://jsd-africa.com/Jsda/V12No3_Summer2010_A/PDF/Nigeria%20Convicts%20and%20Prison%20Rehabilitation%20Ideals%20(Tanimu).pdf)





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی